

آموزش ترویج مشارکتی «کشاورز مدار» مدل پنج P

نوشته:
رانجیت سینگ
مترجم:
○ مهندس کریم نادری مهدی

گردد. برنامه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شود که به مردم کمک کنند تا روی پای خودشان بایستند و حس مسئولیت‌پذیری، ابتکار، تصمیم‌گیری و خوداتکایی را در آنها برانگیزد. مدل حاضر که از آن به عنوان مدل مشارکت پنج P یاد می‌شود، شامل مراحل ذیل می‌باشد.

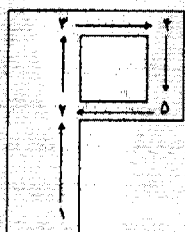
در این مدل تأکید اصلی بر ارائه دانش به بهره‌برداران است. مشاهده شده که صرف ارتقای دانش در زمینه‌ای خاص، به هیچ کاری نمی‌آید، مگر آنکه وضعیت کاری مربوط به آن زمینه یا فعالیت هم بررسی و میزان آزادی عمل در کاربرد آن دانش یا اطلاعات مشخص

۱- تحلیل مسئله

مدل مشارکتی مستلزم شناخت کامل مشارکت کنندگان، نظام و شرایط اجتماعی است. لازمه این امر داشتن اطلاعات جامع درباره گروه‌ها و جوامع عمده اجتماعی و نیز روابط ساختاری آنها، فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها و نیز رویدادهایی است که الگوهای زندگی عادی آنها را می‌سازد. همچنین لازم است علاوه بر شناخت عوامل و نهادهایی که ارزشها و نگرشهای آنها را می‌نمایانند و انتقال می‌دهند، حلقه‌های ارتباطی منظم یا غیرمنظم آنها با یکدیگر و نیز ویژگیهای کلامی و غیرکلامی رفتارشان را بشناسیم. آنچه در این

الف- مدل مشارکت پنج p

فرایند مشارکت مردم



- ۱- تحلیل مسأله
- ۲- تهیه برنامه عمل
- ۳- عمل مشارکتی
- ۴- ارزشیابی فرایند
- ۵- برنامه ریزی برای پایداری

بین اهمیت زیادی دارد اطلاعات موجود درباره گروهها و اجتماعات عمده‌ای است که تا به حال به واسطه اعمال سلطه اجتماعی بر آنها به حاشیه رانده شده، نادیده انگاشته شده یا سرکوب شده‌اند. در این راستا، آگاهی از سطح دانش و امکانات موجود، حوزه‌های تخصص محلی و پتانسیل آینده این گروهها اهمیت بسیار زیادی دارد.

۲- تهیه برنامه عمل

برنامه ریزی محلی غیرمتمرکز در سطح گروهها و اجتماعات آنها یکی از الزامات این رهیافت است. ارتباطات افقی عمیق چه در بین و چه در درون گروهها و اجتماعات از همان ابتدای کار بجای سوگیریهای فنی تنگ نظرانه و اطلاعات بی پایه و اساس بر مباحث گسترده اقتصادی و اجتماعی متمرکز شده است. با افزایش سطح آگاهی افراد و گروهها و افزایش میزان دخالت آنان در فرآیند توسعه، اذهانشان نسبت به نقشهای متفاوت خود و ضرورت تغییر و تحول کنجکاوتر می شود. آنها در مقابله با تمرکزگرایی ایده‌ها و ارزشهایی که از بالا تحمیل می شوند و مخالف منافع و علایق آنان است فعالیت می شوند و از خود مقاومت نشان می دهند و برای تهیه یک برنامه عمل گروهی برای خودشان و توسط خودشان تشویق می شوند، برای همه افراد در گفت و شنود، حقوق مساوی در نظر گرفته می شود و انتظار می رود هیچ کس در جریان صحبت‌های دیگری مداخله نکند.

۳- عمل مشارکتی:

در حال حاضر برنامه‌ها توسط کارگزاری ترویج برای مردم اجرا می شود، اما به برنامه‌ای نیاز است که به وسیله خود مردم و با مساعدت کارگزارهای ترویج طراحی و اجرا شود. چنین برنامه‌ای باید برنامه‌ای مردمی باشد نه برنامه‌ای برای مردم. در چنین برنامه‌ای، مردم اهداف حاضر و آماده‌ای برای مداخله از بیرون به شمار نمی آیند، بلکه نیاز به تعاملی اثربخش بین متخصصان، مروجان و کشاورزان وجود دارد. تأکید بر تأثیرگذاری‌های نهادی، که بر تحلیل شبکه استوار است باید جایگزین تأکید بر تأثیرگذاری‌های فردی گردد. برای این منظور

باید به کشاورزان اجازه داده شود تا متناسب با نیازها، امکانات و اولویتهای خود، فعالانه در تهیه و اجرای طرحها مشارکت داشته باشند. هدف این است که اقدامی داوطلبانه، بر مبنای خواست، اولویتهای امکانات موجود خود مردم و با حمایت گروههای مهم محلی صورت پذیرد.

۴- ارزشیابی فرایند

در این فرایند به جای تمرکز بر محصول یا نتایج بدست آمده، بر چگونگی وقوع رویدادها تأکید می شود. دخالت دادن مردم در فرایند توسعه از اهمیت زیادی برخوردار است

حفظ شوند مشخص کنند. در این بین لازم است برای حفظ و استمرار روند برنامه نیز تمهیداتی صورت گیرد.

۵- برنامه ریزی برای پایداری

برنامه ریزی برای پایداری نیازمند نوع متفاوتی از مشارکت و ارتباطات می باشد، یعنی علاوه بر گفت و شنودهای درونی که بین افراد داخل مجموعه صورت می گیرد به گفتگوهای بیرونی نیز پرداخته شود. این امر به مشارکت کنندگان کمک می کند ضمن کسب افکار و ایده‌های جدید بعضی از افکار و عقاید پیشین خود را اصلاح نمایند. اگر بنا باشد

ارزشیابی فرایند، مستلزم آن است که هم به تغییرات کیفی و هم به تغییرات کمی در سرتاسر اجرای برنامه‌ها، توجه و حساسیت نشان داده شود. این امر به معنای لزوم آشنایی هرچه بیشتر با جزئیات برنامه است.



توسعه برای مردم سودمند باشد، خودشان قطعاً باید در فرایندهای بررسی، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه خودشان مشارکت داشته باشند. مردم را نمی توان به توسعه یافتگی رساند، بلکه فقط خودشان هستند که می توانند خود را توسعه یافته کنند. هدف نهایی ما، تبدیل توسعه به یک فرایند مشارکتی گسترده از تغییر اجتماعی در یک جامعه است. هدف چنین توسعه‌ای نیز این است که اکثریت مردم با در اختیار گرفتن هرچه بیشتر زمام کنترل محیط خودشان به پیشرفت اجتماعی و مادی، دست یابند. نیاز به بازنگری و تجدیدنظر در بوروکراسی حاکم نیز از دیگر ضروریات این فرایند به شمار می آید. این امر مستلزم به کارگیری یک شیوه راهبردی از مدیریت است که مسیرها را مشخص کند، طرح دیدگاههای جدید را امکان پذیر سازد و قابلیت‌های سازمانی جدیدی در پاسخ به شرایطی که مدام در حال تغییر و تحول است، فراهم آورد.

و فقط به عنوان وسیله‌ای جهت دستیابی به منابع مادی بیشتر، تلقی نمی گردد. ارزشیابی فرایند با هدف تبیین و شناخت پویایهای درونی و آگاهی از نحوه رابطه و سازماندهی برنامه‌ها صورت می گیرد. ارزشیابی فرایند، مستلزم آن است که هم به تغییرات کیفی و هم به تغییرات کمی در سرتاسر اجرای برنامه‌ها، توجه و حساسیت نشان داده شود. این امر به معنای لزوم آشنایی هرچه بیشتر با جزئیات برنامه است. مشارکت کنندگان باید نقش فعالی در جریان ارزشیابی فرایند ایفا کنند، زیرا آنها در این فرایند حکم پاسخگویانی را دارند که پاسخهایشان به آنها اجازه می دهد پیرامون حدود و نحوه اجرای برنامه یا عملیات سازمان، قضاوت و تصمیم گیری کنند و از این طریق، خواهند توانست نه تنها زمینه‌هایی را که در آنها امکان بهبود روابط وجود دارد، آشکار سازند، بلکه نقاط قوت برنامه‌ای را هم که باید

ب - ابعاد مشارکت

در توسعه به روش بالا به پایین، مداخلات آموزشی که به صورت متمرکز برنامه ریزی و اجرا می شود، به مرور قابلیت های مردم را در زمینه سازماندهی روند خودگردانی و تقویت نهاد، تحلیل می برد. معکوس کردن این فرایند و توسعه قابلیت های مردم برای سازماندهی خودشان در راستای توسعه، امری زمان بر است که فقط از طریق تشویق مردم به مشارکت فعال در برنامه های توسعه، ممکن می شود. ابعاد اصلی مشارکت را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

ترویج مشارکتی

ابعاد مشارکت

- 1- انواع مشارکت
- 2- مشارکت کنندگان
- 3- سطوح مشارکت
- 4- وقوع مشارکت
- 5- پایداری مشارکت

1- انواع مشارکت:

مشارکت کامل در جایی وجود دارد که برنامه ها به وسیله تلاش های جمعی خود مردم و از طریق تشکلهای خود آنان طراحی و اجرا شود. در حال حاضر کارگزاری های ترویج سعی در دخالت دادن کشاورزان در فرایندهای مختلف با اهداف محدود دارند.

تحلیل مسأله: ارزیابی نیازهای اطلاعاتی مردم.

فرایند برنامه ریزی: فقط آگاه نمودن رهبران رسمی انتخاب شده.

اجرای برنامه: ایفای نقشی اندک و جزئی در کل برآوردها، چه به صورت کمک نقدی و چه به صورت تأمین نیروی کار یا تسهیلات فیزیکی.

تسهیم منافع: مردم ممکن است در طول دوره پروژه، به نهادهای بارانه ای یا افزایش ناچیزی در میزان تولید دست یابند. اما پس از اتمام پروژه، معمولاً همه چیز به حالت اول برمی گردد. به منظور پایداری کردن این فرایند، لازم است قابلیت های مدیریتی مردم و سازمانهای آنها تقویت شود تا قادر به

مشارکت معنی دارتری در واحدهای اقتصادی مولد باشند و با اقدامات گروهی، نیروهای حاکم بر بازار را تحت تأثیر قرار دهند.

2- مشارکت کنندگان

شناخت مشارکت کنندگان در این مدل، اهمیت زیادی دارد. آیا برنامه مورد نظر از نوع مردمی است؟ معمولاً در برنامه های توسعه کشاورزی، مشارکت کنندگان می توانند افراد زیر باشند:

مشارکت کنندگان چه کسانی هستند؟

- 1- مردم محلی
- 2- رهبران محلی
- 3- سازمانهای مردمانی
- 4- مقامات دولتی
- 5- کارگزاری غیرمحملی

بیشتر برنامه های ما از نوع دولتی هستند که توسط مقامات دولتی و با مشارکت اندک رهبران محلی اداره می شوند. در این نوع برنامه ها کشاورزان ناچارند رفتاری منفعل و کاملاً وابسته به کارگزاریها و طرحهای دولتی داشته باشند. اولویت بخشی به این کشاورزان کلید بهبود کیفیت خدمات ترویج است. پذیرفتن رهیافتهای کشاورز محور، مستلزم تغییر نگرشها است. اکثر متخصصان و حتی مروجان، به رغم اینکه قصد خدمت دارند، خود را کارشناس تصور می کنند و به همین دلیل بهتر تشخیص می دهند و لذا می دانند چه چیزی به نفع کشاورزان است. البته چنین تصویری در مورد سازمانهای غیردولتی و کارگزاریهای غیرمحملی نیز صدق می کند و به همین دلیل، با طرحی پایه روستا می گذارند که از پیش برنامه ریزی شده است و زمان بندی انعطاف ناپذیری دارد.

3- سطوح مشارکت

خدمات ترویج مشارکتی کشاورز محور، نیازمند مجموعه ای از اصول مدیریت است که تصمیم گیری گروهی و مشارکتی مبتنی بر اطلاعات را می طلبد. در خدمات ترویج کشاورز محور، کشاورزان در اولویت قرار داشته و در هر مرحله از برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی، حرف اول را می زنند. در حال

حاضر، بیشتر کارشناسان ترویج خود را در بالاترین رده و کشاورزان را در پایین ترین رده سلسله مراتب سازمانی تصور می کنند. در مقابل، سازمانهای کشاورزگرا، کشاورزان را تا بالاترین سطح ترفیع می دهند. معمولاً مشارکت به اشکال زیر صورت می گیرد:

- 1- کمک مادی
- 2- کمک فیزیکی
- 3- مشاوره های اطلاعاتی
- 4- دخالت در کل فرایند
- 5- به عهده گرفتن کل فرایند

هرچه به سمت سطوح پایین تر مشارکت حرکت کنیم، دخالت کشاورزان در امور بیشتر و بیشتر می شود. در این میان شرایطی ایده آل و آرمانی است که کشاورزان در آن، نقش ارباب و کارفرمای نظام را داشته باشند و کارشناسان بر مبنای خواست و نیاز آنان کار کنند. فرصتی دست داد تا نحوه کار سازمانهای کشاورزان در دانمارک را از نزدیک مشاهده کنیم. این سازمانها، نه تنها کارشناسان را استخدام و اخراج می نمایند، بلکه دولت را نیز بر مبنای نیازمندی های زارعان و بازار، هدایت و جهت دهی می کنند. این سازمانها معرف موفق ترین نمونه های آموزش ترویج مشارکتی مبتنی بر کشاورز به شمار می آیند.

4- وقوع مشارکت

در یک شرایط آرمانی، کشاورزان باید در همه سطوح فرایند، فعالانه ایفای نقش نمایند. در واقع کشاورزان خواهان دسترسی آسان به منابع و خدمات هستند. مشاهده شده است که در عمل، مشارکت کشاورزان، بر مبنای خواست و اراده کارگزاریهای ترویج صورت می گیرد. اشکال وقوع مشارکت را می توان به صورت زیر مشخص کرد:

وقوع مشارکت

- 1- در زمان تصمیم گیریهای اولیه
- 2- مداخله محدود در همه سطوح
- 3- فقط در مرحله ارزشیابی
- 4- تسهیم منافع
- 5- مشارکت فعال

معمولاً برای ارزیابی نیازهای اطلاعاتی کشاورزان از پیمایشهای میدانی استفاده می‌شود. در این مرحله نیز کشاورزان نقش انفعالی داشته و فقط به سؤالی که توسط محققان مطرح می‌شود پاسخ می‌دهند. اگرچه ممکن است کشاورزان در همه مراحل فرایند دخالت داشته باشند، اما این مشارکت فقط براساس خواست و اراده کارگزارها صورت می‌گیرد. معمولاً مشارکت کشاورزان فقط به تسهیم منافع یا حضور در مرحله ارزشیابی محدود می‌شود. بسیاری از مروجان تصور می‌کنند که به دلیل داشتن تخصص و تحصیلات بیشتر و یا طبقه اجتماعی بالاتر نسبت به کشاورزان، نیازهای کشاورزان را بهتر از خودشان تشخیص می‌دهند و حتی نسبت به توانایی کشاورزان در انتخاب راه کارهای درست و عاقلانه، شک دارند و به همین دلیل در بیشتر موارد، این ماموران ترویج هستند که بحثها را کنترل می‌کنند. پرسشها را مطرح می‌سازند و ارائه طریق می‌نمایند. آنها کشاورزان را به مشارکت تشویق نمی‌کنند و لذا در بیشتر موارد، مشارکت به عده اندکی کشاورز پرنفوذ و با قدرت محدود شده است.

۵- پایداری مشارکت

پایداری مشارکت به عوامل زیادی بستگی دارد که تعدادی از آنها به شرح زیر است:

پایداری مشارکت

- ۱- منافع ملموس و مشهود
- ۲- ثبات سازمانی
- ۳- نظام عملیاتی کارآمد
- ۴- شبکه های خلاق
- ۵- محیط حمایتی

برای نیل به این مهم لازم است تعامل مؤثری بین تحقیق، ترویج و کشاورزان برقرار شود که با حمایت سازمانی کارآمد توأم باشد. موفقیت کشاورزی در آینده نیز مستلزم تلاشهای جمعی و توسعه نهادهای ذی ربط است. اگر میل به تغییر در کشاورزان القا شود، نه تنها توان، عزم و تعهد لازم را برای این منظور خواهند داشت بلکه ابزارها، منابع و مهارتهای مورد نیاز را نیز کسب خواهند کرد.

روشهای مشارکتی، مردم را به توسعه مهارتهایی چون دفاع از حق و حقوق خود و گفتن و مذاکره کردن تشویق می‌کند که این امر آنها را قادر خواهد ساخت تا آموخته‌های خود را در عمل به کار بندند. رهیافت مشارکتی، به کشاورزان این فرصت را می‌دهد که دغدغه‌ها و دل مشغولی‌های خود را شخصاً تعیین کنند نه اینکه صرفاً دستورالعملی از بالا در این زمینه بر آنها دیکته شود. محسوس بودن منافع و ثبات سازمانی نیز از جمله عواملی هستند که باعث مشارکت پایدار می‌شوند. اگر هدف اصلی توسعه رسیدن به پیشرفتهایی در زمینه تداوم روند پایداری متعادل توسط خود افراد در چارچوب شرایط و ظرفیتهای اکثریت کشاورزان فقیر باشد، در آن صورت باید راههایی رابایم که در بلندمدت تعهد لازم برای ایجاد تغییرات نهادی در بوروکراسی حاکم را که اساس و مبنای رسیدن به نتیجه مورد نظر است به وجود آورند. این شکل از تغییر، افزون بر ایجاد یک نظام کاری کارآمد و محیطی دلگرم کننده، شکل گیری شبکه‌های خلاق را نیز تشویق و ترغیب خواهد نمود.

ج - محدودیتهای مشارکت

بیشتر محدودیتهای موجود در این زمینه قبلاً ذکر شده‌اند. اما در اینجا به بعضی از این محدودیتها که اهمیت بیشتری دارند به شرح زیر اشاره می‌شود:

- ۱- ضعف انتقال پذیری
 - ۲- فقدان بینش خطرپذیری
 - ۳- تأکید بر اثرات فردی
 - ۴- عقده خودبرتربینی متخصصان ترویج و مداخلات بیرونی
 - ۵- بی توجهی نسبت به دانش و حکمت بومی
- بیشتر برنامه‌ها موضوع محور^۲ هستند تا ارباب رجوع محور^۳. بنابراین مقامات معمولاً به مداخلات خارجی تأکید می‌کنند. توجه به رهیافت انسان محور^۴، که بر مشارکت فعال مردم در سطح پایین جامعه تأکید می‌نماید، مورد غفلت قرار گرفته است. ما به نظامی نیاز داریم که کشاورزان در آن مجبور باشند نیازها و نگرانی‌های خودشان را نشان داده و به صورت جمعی و گروهی برای رفع آنها تصمیم‌گیری کنند. روی آوردن به اقدام

جمعی، امری لازم و ضروری است؛ چراکه اگر مردم در تصمیم‌گیری پیرامون قابل قبول بودن و قابل فهم بودن مخاطرات (ریسک‌ها) مشارکت داده شوند یقیناً تمایل آنها به مخاطره‌پذیری بیشتر می‌شود. در حوزه ترویج، نظامی موفق است که قادر باشد آگاهی لازم را در کشاورزان ایجاد کند و آنها را با هم متحد سازد تا به صورت گروهی و جمعی مشکلاتشان را حل نمایند. در رهیافت مشارکتی سعی بر این است که دل مشغولی‌ها و علائقی که رابطه مستقیمی با افراد ذی نفع و درگیر در قضیه دارند مورد ملاحظه قرار گیرند. چنین رهیافتی همچنین، همان طور که قبلاً اشاره شد به مردم این فرصت را می‌دهد که دغدغه‌ها و دل مشغولی‌های خود را شخصاً تعیین کنند، نه اینکه دستورالعملی از بالا بدین منظور بر آنها تحمیل شود. در حال حاضر، این برنامه ریزان هستند که طرح عمل را ترسیم و تدوین می‌نمایند. سپس مجریان، این برنامه‌ها را پیش ساخته شده را در سنتی‌ترین سطح از تقسیمات سیاسی دولت دنبال می‌کنند. آنها بر این عقیده‌اند که کارشناسان بهتر می‌دانند چه چیزی برای مردم خوب است و تمایل دارند که تأمین اطلاعات و انتقال اطلاعات را به صورت متمرکز در دست خود داشته باشند. اصل بنیادین حاکم بر چنین دیدگاهی آن است که تغییر در رفتار، نتیجه دستیابی به اطلاعات است، غافل از این حقیقت که مردم، معانی، مفاهیم و زمینه‌های فرهنگی خود را با اطلاعات مدنظر خود تلفیق می‌نمایند. یکی از اهداف ناظر بر جلب مشارکت بیشتر مردم در توسعه، دستیابی به ترکیبی مثرتر از تخصص کارشناسان و دانش بومی است. معمولاً دانش رسمی کارشناسان برای برنامه ریزی توسعه، ضروری است اما کافی نیست. در وجود کشاورزان، دانش بومی عظیمی نهفته است که کارشناسان نه تنها با آن آشنایی ندارند، بلکه حتی قادر به درک آن هم نیستند. دانشی که مردم محلی می‌توانند و باید آن را در فرایندهای تصمیم‌گیری دخالت دهند.

د - مؤلفه‌های تشویق کننده

تقریباً ثابت شده است که مردم به صورت منفعل، اطلاعات را دریافت نمی‌نمایند. برنامه‌ای که بر اصول دستیابی، مشارکت و

خودگردانی کشاورزان تأکید می‌کند، می‌تواند جنبه پایدار داشته باشد. ما ناچاریم شیوه‌نگریشان را از تأثیرپذیری فردی به تأثیرپذیری نهادی تغییر دهیم. از این رونداش جمعی و توسعه نهادی، به امری ضروری برای موفقیت امور زراعی در قرن آینده تبدیل شده است.

شکست برنامه‌ها شاید دلایل مختلفی داشته باشد اما یکی از دلایلی که عمدتاً نادیده گرفته می‌شود، ناهماهنگی و تفاوت بین شیوه

5- تجاری نمودن واحدهای تولیدی، گفتمان یا گفت و شنود، از نظر پائولو فریره، فرایندی برای توسعه عنصر آگاهی انتقادی است که وجود آن برای ایجاد تغییر و تحول در اجتماع ضروری است. گفتمان، افراد را قادر می‌سازد تا درباره شرایط معنی‌داری که به تجربه زندگی آنها برمی‌گردد، اظهار نظر کنند. گفتمان، به معنای توانایی فکری افراد برای ارائه نقشی مثبت در روند حل مشکلات اجتماع است. از طریق ارتباط مبتنی بر گفتمان

او را رفع کرده‌اید، اما اگر به او ماهی‌گیری یاد بدهید یک عمر زندگی او را تأمین کرده‌اید. بنابراین سعی ما باید بر این باشد که کشاورزان را در سازماندهی خودشان برای بدست گرفتن اعمالی که برای رهایی و توسعه خودشان ضروری است کمک کنیم. این مهم فقط زمانی ممکن می‌شود که از برنامه ریزی محلی غیرمتمرکز استفاده شود؛ چرا که این نوع برنامه ریزی به مردم فرصتی می‌دهد تا نقاط قوت و ضعف و نقش بالقوه خود در فرایند تغییر و توسعه را کشف نمایند.

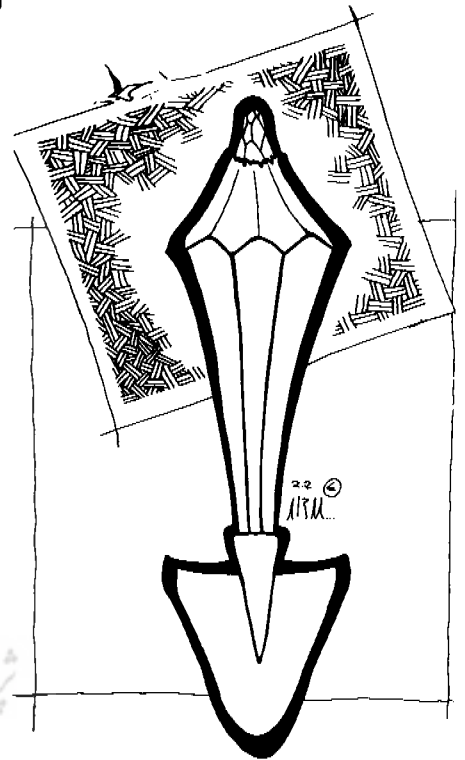
به کارگیری رهیافت پایین به بالا در توسعه، امری ضروری است. در این فرایند یک رهیافت رفاه‌گرایانه به یک رهیافت توسعه اجتماعی تبدیل شود که هدف آن کمک به اجتماعات محلی در یاری رساندن به خود از طریق مشارکت فعال است.

کشاورزان برای رودرویی با رقابت‌های سخت و بی‌امان در بازار جهانی باید واحدهای خودشان را به صورت تجاری درآورند. در قرن آینده انجام کارها به صورت صحیح و با کیفیت تنها یک امتیاز مثبت به شمار نمی‌آید بلکه نیازی اساسی برای ادامه حیات است. کیفیت به معنی مطابقت یا پیروی از پاره‌ای ضوابط و استانداردها نیست، بلکه به معنی بهره‌وری، هزینه‌های رقابتی، تحویل به موقع کالا و جلب رضایت همه مشتریان یا مصرف‌کنندگان می‌باشد. این مهم نیز تنها زمانی حاصل می‌شود که میل به تغییر در کشاورزان القا شود و این عمل القا یا الهام‌بخشی، نیرویی انگیزنده برای روی آوردن به تلاش‌های جمعی و مشترک به منظور بهبود فعالیت‌های کشاورزی، هدایت سازمان‌های خدمات ترویج و سایر کارگزارها در جهت ارائه خدمات بر مبنای نیازها، مقتضیات و استانداردها به شمار می‌آید.

○ پی‌نوشت‌ها

- 1- Five P (problem analysis, Preparing action plan, Participatory action, Process evaluation, Plannig for sustainability)
- 2- Subject - centered
- 3- Client - centered
- 4- Human - centered

شکست برنامه‌ها شاید دلایل مختلفی داشته باشد اما یکی از دلایلی که عمدتاً نادیده گرفته می‌شود، ناهماهنگی و تفاوت بین شیوه عمل بوروکراسی‌های دولتی و نیازمندی‌های طرح‌های توسعه است که می‌تواند فقرای روستایی را برای روی آوردن به یک روند خود توسعه‌ای مؤثر و پایدار، بسیج سازد و نظر کشاورزان نوآور را به کار و تلاش جمعی برای پذیرش فناوریهای پیشرفته کشاورزی جلب کند.



است که کشاورزان، سازمان‌های خود را با تلاش‌ها و ابتکار عمل خودشان توسعه می‌دهند. تعهد و دخالت کارشناسان ترویج و مروجان برای مه‌ج‌ز نمودن کشاورزان به مهارت، دانش و نگرش لازم، جهت توسعه متکی به خود، امری ضروری به شمار می‌آید. حتی نیاز است که رسانه‌های جمعی برای تشویق و ترغیب برقراری جلسات بحث و گفتگو بین گروه‌های مختلف بیشتر تلاش بکنند، نه اینکه صرفاً به گزارش فعالیتها و ارائه اطلاعات و اخبار به صورت معمول بپردازند. یک ضرب‌المثل معروف چینی می‌گوید که اگر به مرد گرسنه‌ای یک ماهی دهید، گرسنگی

عمل بوروکراسی‌های دولتی و نیازمندی‌های طرح‌های توسعه است که می‌تواند فقرای روستایی را برای روی آوردن به یک روند خود توسعه‌ای مؤثر و پایدار، بسیج سازد و نظر کشاورزان نوآور را به کار و تلاش جمعی برای پذیرش فناوریهای پیشرفته کشاورزی جلب کند. بعضی از مؤلفه‌های تشویق‌کننده برای روی آوردن به آموزش ترویج مشارکتی مبتنی بر کشاورز در زیر آورده شده است:

- 1- تشویق ارتباط مبتنی بر گفتمان
- 2- تشکیل سازمان‌های کشاورزان
- 3- تعهد و دخالت کارگزارهای ترویج
- 4- برنامه ریزی محلی غیرمتمرکز